

# مدارس ایرانی در شوروی

تاریخ تأسیس قدیمی ترین مدرسه ایرانی در روسیه، براساس اسناد موجود در سازمان اسناد ملی ایران به سال ۱۳۲۴ ق. باز می‌گردد. ایجاد این مدارس اغلب به همت ساکنان و کمک مالی تجار ایرانی نژاد این مناطق بود، که معمولاً از راه تشکیل انجمن‌های خیریه و جمع‌آوری اعانه‌های نقدی مردم علاقه‌مند صورت تحقق به خود گرفت. به طوری که پس از انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ م. در روسیه، به سبب مسدود شدن باب تجارت، ورشکستگی تجار ایرانی و بازگشت اتباع متمول ایرانی به وطن، ادامه کار این مدارس به ویژه از نظر مالی مختل گردید.<sup>۱</sup>

حکومت نوین سوسیالیستی در راستای تغییرات بنیادین اجتماعی، برای تأسیس مدارس بیگانگان در کشور خود مقررات تازه‌ای نیز وضع کرد. قوانینی که از سوی کمیساریای ملی معارف دولت اتحاد شوروی برای مدارس ایرانی صادر شد، به قرار زیر است:

۱- مدارس ایرانی تحت نظر و مراقبت نماینده سیاسی دولت ایران خواهد بود.  
۲- معلمین مدارس ایران از ظرف ریاست مدرسه انتخاب شده و ریاست معارف ایالتی محلی حق خواهد داشت، نسبت به اشخاصی که نامزد برای معلمی هستند نظر داشته و آنها را رد نماید.

۳- تعلیم مطابق پرگرام وزارت معارف دولت علیه ایران خواهد بود.

۴- حق تفتیش مدارس به وسیله اعضای کمیساریای ملی معارف محفوظ خواهد بود.

۵- ترتیب مقرر مذکور فقط شامل مدرسی است که اطفال اتباع ایرانی در آن جا تحصیل می‌کنند.<sup>۲</sup>

در سند دیگری به این نکته اشاره شده، که برای ادامه تحصیل در سطح عالی، افراد باید تبعه اتحاد شوروی باشند. این مسأله خود باعث ناامیدی دانش‌آموزان ایرانی از ادامه تحصیل گردید؛ چرا که بسیاری از آنان تمایلی به پذیرش تابعیت کشور بیگانه نداشتند. در این زمینه اغواگری و تبلیغات منفی برخی از مغرضان در بین دانش‌آموزان ایرانی به این مسأله بیش از پیش دامن می‌زد.<sup>۳</sup>

مطلب درخور توجه، دخالت متصدیان حکومت سوسیالیستی در امور مدارس ایرانی است. بدین صورت که سردمداران نظام نوین اساساً با تأسیس و با ادامه هر نوع انجمن خارجی در سرزمین وسیع روسیه مخالفت می‌کردند. بالطبع انجمن‌های

خیریه ایرانیانی که سهم عمده‌ای را در اداره امور مدارس ایرانی برعهده داشتند، از تعرض مأموران حکومت در امان نماندند و بزودی همه آنها منحل شدند.<sup>۴</sup> این خود بهانه‌ای شد تا اداره و کنترل این مدارس در دست حکومت جدید قرار گیرد و کلیه دروس، طبق برنامه محلی تدریس شود و معارف محلی نیز پرداخت تمام مخارج جاری از جمله حقوق معلمان را برعهده گیرد. مثلاً هزینه مدرسه اتحاد بادکوبه به وسیله دولت اتحاد شوروی تأمین می‌شد و مداخله قنصلگری ایران صرفاً جهت حفظ و ترویج زبان فارسی بود.<sup>۵</sup>

به دنبال انحلال انجمن‌های خیریه، قنصلگری ایران در بادکوبه، صندوق خیریه دیگری در محل قنصلخانه ایران تأسیس کرد که بودجه آن از محل دریافت عوارض از تذکره‌های ایرانیان تأمین می‌شد. بدین ترتیب کمک خرج ماهیانه کارکنان مدارس ایرانی از آن محل فراهم و پرداخت می‌شد، تا جنبه ایرانی بودن این مدارس محفوظ مانده و اسباب و اثاثیه آنان از دستبرد دیگران در امان بماند. دیگر از موارد مداخله حکومت جدید در امور مدارس، همانا مختلط کردن مدارس ایرانی توسط کمیته جوانان ساوت به نام کاممول<sup>۶</sup> بود.

در یکی از سندها به تغییر نام «مدرسه اتفاق تفلیس» به «مدرسه ایران و شوروی و نیز حذف علامت رسمی شیر و خورشید از تابلو، کاغذ و مهر مدرسه از سوی اداره معارف محلی اشاره شده، که حاکی از دخالت مستقیم این اداره در امور مدارس ایرانی می‌باشد.<sup>۷</sup> همچنین اعتصاب و به تعطیل کشاندن مدرسه‌ای از جانب روس‌ها از جمله موارد دیگری از دخالت‌های آنان در امور داخلی مدارس ایرانی است.<sup>۸</sup> این مسأله از آن جا نشأت می‌گیرد که اداره معارف بادکوبه و اتفاق معلمین، خواهان انعقاد قرارداد جمعی با معلمان بومی و مطابق با قانون محلی بوده است، ولی تأکید وزارت معارف ایران بر انعقاد قرارداد به صورت فردی بود، که طبق همین نظر با معلمان قراردادی را منعقد کرد. در مقابل، اداره معارف بادکوبه و اتفاق معلمین بنای مخالفت و تهدید را گذارده، آنها را از تسهیلات و امتیازاتی که به موجب قانون، به همه معلمان تعلق می‌گرفت محروم کرد. مداخله دیگر، دخالت در استخدام معلمان جدید ایرانی بود. طبق قرارداد، انجام این کار در انحصار مدیر مدرسه بود. ولی روس‌ها



اصرار داشتند که معلمان جدید باید از میان اعضای بیکار تنافس معلمین انتخاب شوند. چرا که در این صورت بهترین می توانستند نظرات خود را در مدارس اجرا کنند. در این میان مهمترین کار حکومت سبب بستنی در مدارس اسلامزدایی و جایگزینی و سرخ بینش مادی در اذهان بود. مثلاً در فارسی کتابخانه مدارس ایرانی از جمله مدرسه اتحاد نامه کتاب های فارسی را به عنوان آن که سه سه دارد و یا در آئین سخن آردین و پیامبران برده شده و از سلاطین و امرای جور تعریف و تمجید به عمل آمده، ضبط کرده و با خود می بردند. اگر هم از سوی مدیر مدرسه مشاورتی به وقوع می پیوست، کتابخانه را می روم کرده و آن را تعطیل می کردند. همچنین با تدریس کتبی که در آنها واژه هایی چون «دعا» و «پادشاه» وجود داشت مخالفت کرده و خواهان حذف چنین کلماتی از امر تدریس بودند.<sup>۱۱</sup>

تاریخچه تأسیس مدارس ایرانی در روسیه از مدارس اتحاد بادکوبه، اتفاق تفتیش و مدرسه مظفری، می توان به عنوان مهمترین مدارس ایرانی در روسیه نام برد. این سه مدرسه نسبت به سایر مدارس ایرانی فعالتر بوده و نقش مهمتری را در اشاعه زبان فارسی در روسیه به عهده داشتند.

مدرسه اتحاد در ۱۵ شعبان ۱۳۲۴ ق. در نتیجه مدعی قنصلگری ایران و با همت عمده ای از تجار معروف آن زمان، همچون حاج ملا حسین تبریزی و بدیری شریف الدوله نماینده وقت دولت ایران در بادکوبه تأسیس شد. در ابتدا انجمن خیریه ای مرکب از هفت بازرگان معتبر و یک نفر که نماینده قنصلگری بود، برای جمع آوری اعانه های خصوصی و وجوهات نقدی تشکیل شد و بدین وسیله همه نوع اسباب و لوازم تدریس و کتابخانه، آزمایشگاه فیزیک و شیمی، وسایل موزیک، لباس، دکوراسیون تئاتر و... برای مدرسه خریداری شد و زیر نظر مدیر مدرسه - میرزا حسین خان کمال - به کار گرفته شد. دانش آموزان زبان های فارسی، ترکی، روسی، عربی، فرانسه و آلمانی را فرا می گرفتند و البته اغلب دروس به فارسی تدریس می شد.

تا قبل از انقلاب اکسیر مخارج این مدرسه و سایر مدارس ایرانی در قفقاز از محل عایدات اضافات تذکرها و شهریه شاگردان و اعانه های محلی تأمین می شد. اداره مدارس مزبور نیز کاملاً زیر نظر قنصلگری ایران بود و بیشتر معلمان هم

تبعه ایران بودند. ولی پس از انقلاب، این مدارس با کسر بودجه روبرو شدند و همان صحر که اشاره گردید، حکومت تازه مدارس را تصرف کرد و دست ایرانیان در اداره امور به کلی قطع شد.<sup>۱۲</sup> هنگامی که انقلاب روسیه آغاز شد و

اشکالاتی را به وجود می آورد.<sup>۱۳</sup> برنامه مدرسه متوسطه اتحاد ایرانیان بدین قرار بود:  
۱- زبان فارسی با اصول تدریس آن ۲- زبان ترکی با اصول تدریس آن ۳- زبان روسی ۴-



حکومت آذربایجان با نام حکومت مساوات رنگ استقلال به خود گرفت، مدرسه مزبور توسط قشون انگلیس تصرف و تخلیه گردید و اذیت آن در میان کوچه ها ریخته شد و مدرسه تا مرز انحلال پیش رفت.<sup>۱۴</sup>

مدرسه اتحاد شامل یک مدرسه پسرانه و یک مدرسه دخترانه بود. در ۱۳۰۳ ش. مدرسه پسران دارای ساختمانی با ۷ طبقه و ۱۲ کلاس بود که متجاوز از ۴۰۰ دانش آموز در آن به تحصیل اشتغال داشتند. مدرسه دختران نیز در همین سال ۱۵۰ شاگرد داشت که اکثر آنها از اهالی بادکوبه بودند. مدرسه پسران ۱۸ معلم و دختران ۸ معلم داشت که حقوق ماهانه خود را از حکومت دریافت می کردند. اگر حقوق معلمان را به مخارج عادی مدرسه و حقوق فرآش ها و دیگر مخارج اضافه کنیم هزینه مدرسه در هر ماه به مبلغی بالغ بر ۶۰۰ منات (تقریباً ۳۰۰ تومان) می رسید.<sup>۱۵</sup>

در تمام مدارس شوروی بین دانش آموزان غذا و لباس توزیع می شد، ولی به خاطر نبودن امکانات لازم، چنین کاری در مدارس ایرانی

علوم و اجتماعیات ۵- ریاضیات با اصول تدریس آن ۶- فیزیک ۷- شیمی ۸- تاریخ طبیعی ۹- جغرافیای اقتصادی ۱۰- جغرافیای ایران ۱۱- تاریخ ایران و [تاریخ] عمومی ۱۲- پداگوژی (فن تربیت اطفال) ۱۳- پداگوژی ۱۴- متد و اصول تدریس سیستم کمپلکس ۱۵- نقاشی ۱۶- موسیقی ۱۷- زحمات تکلیکی ۱۸- ژیمناستیک ۱۹- دروس نمونه (تجربیات) ۲۰- ورزش جهت آماده شدن نظام.<sup>۱۶</sup>

در باره تأسیس مدرسه اتفاق تفتیش یحیی دولت آبادی می نویسد: «چند سال قبل که در ایران معارف پروری بازاریش رواج داشت، مأمورین ایران در خارجه به این وسیله تحصیل نام نیک می نمودند. مأمورین ایران در قفقاز به مساعدت و تشویق میرزا حسین خان مشیرالدوله که آن وقت وزیر مختار در ممالک روسیه بود، انجمن خیریه ای برای ایرانیان در تفتیش دائر نموده، نظامنامه خوبی برای تأسیس یک باب مدرسه نوشته آن را به امضاء حکومت روس رسانید و

مدرسه‌ای موسوم به اتفاق تأسیس کردند. پس از برهم خوردن مجلس شورای ملی در تهران این انجمن هم سست شده کاری نمی‌کند.<sup>۱۷</sup>

مدرسه اتفاق تفلیس نیز به همت تجار ایرانی تأسیس شد. مخارج مدرسه از طریق عایدات کاروانسرای که توسط این تجار خریداری شده بود تامین می‌شد. پس از انقلاب کاروانسرای مزبور در شمار اموال ضبط شده درآمد و اداره مدرسه هم از دست معلمان ایرانی خارج گردید.<sup>۱۸</sup>

برنامه مدرسه اتفاق ایرانیان تفلیس در سال تحصیلی ۱۰-۱۳۰۹ ش. بدین قرار بود:

- ۱- کلاس تهیه ۲- دروس معلم کلاس که عبارت بود از دروس ترکی، حساب و طبیعات
- ۳- سرود ۴- نقاشی ۵- کاردستی ۶- ورزش ۷- فارسی ۸- تاریخ ایران ۹- جغرافیای ایران ۱۰- روسی ۱۱- گرجی ۱۲- تعلیمات مدنی ۱۳- فیزیک

در کلاس‌های تهیه و اول روزی یک ساعت تدریس زبان فارسی جزو دروس معلم کلاس بود.<sup>۱۹</sup>

مدرسه مظفری عشق‌آباد: در ۱۳۲۵ ق. با تلاش جمعی از ایرانیان احداث شد. در ۱۳۰۲ ش. هیأت وزیرای ایران تصویب کرد، ماهی ۲۰۰ تومان از سوی دولت به آن مدرسه کمک

شود. اما مبلغ مذکور فقط به مدت سه ماه و نیم پرداخت شد. بعد از آن مقرر گردید از اول میزان ۱۳۰۲ ش. ماهی ۱۰۰ تومان به این مدرسه پرداخت شود.

مدرسه مظفری به دستگیری یک مدیر، شش معلم و دو فراش اداره می‌شد. تعداد شاگردانش ۲۵۳ نفر بود که از این عده ۱۳۵ نفر مجانی تحصیل می‌کردند و بقیه ماهی چهار قران حق تعلیم می‌پرداختند.

برنامه مدرسه شامل دروس زیر بود:

- ۱- زبان فارسی و روسی ۲- شرعیات ۳- حساب ۴- جغرافی ۵- تاریخ ۶- طبیعات ۷- حفظ الصحه ۸- ورزش ۹- نقاشی ۱۰- موسیقی.

مدرسه مظفری یک کتابخانه داشت که در ۱۳۳۵ ق. به کمک چند نفر از معارف پروران ایرانی تأسیس شد. این کتابخانه دارای ۸۰۰ جلد کتاب علمی، ادبی و اخلاقی بود که بیش از  $\frac{3}{4}$  آنها به زبان روسی و ترکی بود. همچنین مدرسه یک موزه علمی داشت که انواع حشرات و حیوانات روغن زده، پرندگان، مکوکات عتیقه و بعضی از مجسمه‌های مشاهیر در آن دیده می‌شد. این مدرسه دو سالن داشت. سالن کوچک مخصوص اجرای نمایش‌های اخلاقی و کنفرانس‌های علمی و ادبی بود که دیوارهای آن را با عکس‌هایی از مشاهیر ایران از قبیل سعدی، میرزا تقی‌خان امیرکبیر، نادرشاه، مظفرالدین‌شاه و سید جمال‌الدین اسفادی ترئین کرده بودند. سالن دیگر، سالن بزرگ مدرسه بود که جهت برپایی انجمن‌ات ملی و شور و در مقدمات عمومیه تأسیس شده بود.<sup>۲۰</sup>

مدرسه وطن ایرانیان: این مدرسه در ۱۳۳۶ ق. به همت اهالی ایرانی نژاد قصبه سراب بادکوبه، به دنبال تشکیل انجمنی به نام جمعیت معارف وطن تأسیس گردید. میرزا عبدالله عبدالله‌زاده مدیر مدرسه اتحاد بادکوبه نیز نظامنامه‌ای برای آن نوشت که بخشی از مفاد آن به قرار زیر است:<sup>۲۱</sup>

- ۱- مدرسه وطن در تحت نظارت جمعیت معارف وطن، مقیم بادکوبه خواهد بود که به امورات مدرسه جزاً و کلاً رسیدگی کرده، مطابق نظامنامه جمعیت معارف وطن معموماً و مجری دارند.

- ۲- ابتدای دروس از اول میزان [مهر] و اختتام آن تا آخر جوزا [خرداد] خواهد بود و یک ماه سرطان [تیر] متعلق به امتحانات سالیانه مدرسه بوده که از ابتدای برج اسد [مرداد] امتحانات تمام و مدرسه تعطیل خواهد شد و موقع تعطیل مدرسه دو ماه بیشتر نخواهد بود.
- ۳- پروگرام (فهرست دروس) مختص هر کلاس (صورت دروسی که باید در تمامی سال از هر کلاس تدریس شود) بایستی در روز اول افتتاح مدرسه حاضر بوده به دیوار آن کلاس نصب شده باشد.

توضیح: این پروگرام در تمام مدت سال تغییرناپذیر است، مگر به نظریات شخصی مدیر و تصویب ریاست کل.

۴- طول مدت تدریس هر درس بیش از پنجاه دقیقه نخواهد بود.

۵- شاگرد در وسط سال قبول نمی شود، مگر به تصویب هیئت شوروی معلمان، در آن صورت امتحان لازمه از آنچه که میدانند از او شده به هر کلاس لایق بود به آنجا سپرده شود

۶- کلاسهای درس فقط مختص تدریس بوده، امورات غیرتدریسی اکیداً ممنوع است.

۷- در ایجاد مذهبی، ملی و ایام سوگواری به تفصیلی که در نظامنامه مذکور است مدرسه تعطیل میشود.

۸- روز اولیکه مدرسه افتتاح میشود و روز آخری که تمام میشود بالاخصاص دغیه لازمه مختص به افتتاح و اختتام قرائت شده که بایستی معلمان و متعمین کلاً برای استماع حاضر باشند.

۹- شورای معلمان: اعضای این شورا عبارتند از مدیر، معلم شریعت و معلمان

۱۰- وظایف شورای معلمان: قبول کردن شاگرد و گذراندن آن از کلاسی به کلاس دیگر. شوری در خصوص سعی و اخلاق شاگردان و چاره برای کم سعی ایشان و تزکیه اخلاقشان، تعیین امتحانات، مذاکره در خصوص دادن شهادتنامه به شاگردانی که مدرسه را تمام کرده و یا نکرده اند، اخراج کردن شاگرد از مدرسه در صورتیکه کم سعی و بد اخلاق بوده باشد، مذاکرات در خصوص کتابخانه و انتخاب کتاب قرائت برای شاگردان و غیره.

مدرسه نجات باطوم: به خاطر موقعیت تجاری شهر باطوم، گروهی از بازرگانان ایرانی در آن جا گرد آمده بودند. در ۱۹۲۰ م. شخصی به نام باقر خان فهیمی از طریق کمک های مالی تجارت مدرسه نجات را احداث کرد. در آغاز کار، این مدرسه دارای ۱۰۰ شاگرد و دو معلم بود که مختصر معلوماتی در امر تدریس داشتند. منبع درآمد مدرسه عبارت بود از: شهریه شاگردان، اعانه های فردی و همچنین پولی که قنصلگری نسبت به درجات تذکره از اشخاص می گرفت. به تدریج قنصل وقت از توجه به امور مدرسه سر برتافت و مدرسه به وسیله انجمن خیریه ایرانیان به هر نحو که ممکن بود اداره می شد. پس از انقلاب روسیه تجارت باطوم به واسطه مالیات های گزاف

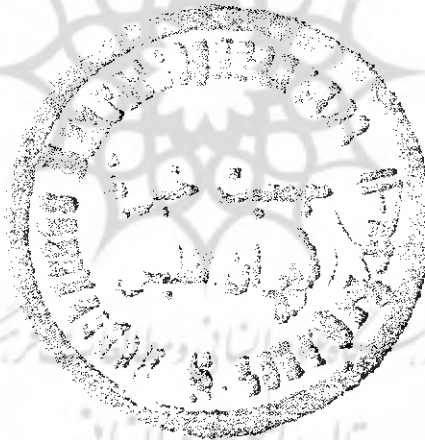
و سختگیری حکومت به کلی از هم پاشید و اغلب ایرانی ها به وطن بازگشتند. از این رو عایدات مدرسه به هیچ وجه کفاف مخارج آن را نمی داد.<sup>۲۲</sup>

مدرسه ایرانیان در تاشکند: این مدرسه به وسیله انجمن خیریه تأسیس شد و چون مصادف با نخست وزیری سردار سپه بود آن را «سپه» نامیدند.<sup>۲۳</sup>

مدرسه دیگری در آنجا وجود داشت که متعلق به بیانیان ایران بود.

مدارس مرو و گراندسک: این مدارس نیز به کمک اقتداء الملک نماینده وقت دولت ایران در روسیه تأسیس گردید.

سرانجام به علت دخالت ها و تضيیقات حکومت سوسیالیستی در اداره مدارس ایرانی، دولت در ۱۳۱۰ ش. مجبور شد برای جلوگیری از تیرگی روابط دو کشور تمام مدارس مذکور را منحل کند و اسباب و اثاثیه آنها را به دولت اتحاد شوروی واگذار نماید.<sup>۲۴</sup>



#### زیر نویس:

۱- گزارش قنصلگری ایران در باطوم، ۱۳۰۳ ش (۱۳۴۱ ق) نمره ۱۱۵-۷۵- [۲۱۸۰]

۲- گزارش نماینده کمیساریای ملی معارف: ک. کوسیکول [۲۱۶۷]

۳- گزارش قنصلگری ایران در بادکوبه، ۱۳۰۹ ش. نمره ۱۰۶۵ [۲۱۶۵]

۴- گزارش مایبل توپسرکانی نماینده معارف ایران، ۱۳۰۳ ش. نمره ۱۴ [۲۱۶۵]

۵- گزارش قنصلگری ایران در بادکوبه، ۱۳۰۲ ش. نمره ۷۸۵ [۲۱۶۵]

۶- Komcomol، گزارش مایبل توپسرکانی، ۱۳۰۳ ش، نمره ۳۶ [۲۱۶۵]

۷- گزارش قنصلگری ایران در تفلیس، ۱۳۰۹ ش. نمره ۷۲۰ [۲۱۷۶]

۸- گزارش مدیر مدرسه اتحاد بادکوبه (میراز اژدر علی زاده)، ۱۳۰۹ ش، نمره ۲۹۱ [۲۱۶۵]

۹- گزارش قنصلگری ایران در بادکوبه، ۱۳۰۹ ش، نمره ۱۰۶۴ [۲۱۶۵]

۱۰- گزارش مایبل توپسرکانی، ۱۳۰۳ ش. نمره ۳۶ [۲۱۶۵]

۱۱- گزارش مدیر مدرسه اتحاد بادکوبه، ۱۳۰۹ ش. [۲۱۶۵]

۱۲- گزارش وزارت معارف ایران، ۱۳۰۵ ش [۲۱۶۵]

۱۳- گزارش مایبل توپسرکانی، ۱۳۰۳ ش. نمره ۱۴ [۲۱۶۵]

۱۴- گزارش مایبل توپسرکانی، ۱۳۰۳ ش، نمره ۳۶ [۲۱۶۵]

۱۵- گزارش مدیر مدرسه اتحاد، ۱۳۰۹ ش. نمره ۵۴۱ [۲۱۶۵]

۱۶- شعبه علمی و متدی کمیساریای معارف جمهوری آذربایجان [۲۱۶۵]

۱۷- یحیی دولت آبادی، حیات یحیی، ج ۳، ص ۱۷

۱۸- گزارش قنصلگری ایران در تفلیس، ۱۳۰۲، نمره ۴۶۴ [۲۱۷۷]

۱۹- گزارش مدیر مدرسه اتفاق تفلیس (علی جواهر الکلام)، ۱۳۰۹ ش. [۲۱۶۶]

۲۰- گزارش مدیر مدرسه مظفری عشق آباد، نمره ۴۳۴ [۲۱۶۷]

۲۱- نظامنامه مدرسه وطن، ۱۳۳۵ ق. [۲۱۸۴]

۲۲- گزارش قنصلگری ایران در باطوم، ۱۳۴۱ ق. نمره ۷۵ [۲۱۸۰]

۲۳- گزارش قنصلگری ایران در تاشکند، ۱۳۰۳ ش. نمره ۱۶۰ [۲۱۷۴]

۲۴- اسناد نخست وزیری، نمره ۵۸۲۳، ۱۳۱۰ ش. شماره ۱۰۸۰۶

شماره های داخل کروه شماره آلبوم اسناد سری الف وزارت معارف تحت عنوان اصلی مدارس ایران در خارج کشور و عنوان فرعی مدارس ایران در جماهیر شوروی ۵۴۰۰۴ می باشد.



وزارت امور خارجه

مواد... وزارت اداره که اصل آن بنمره ۱۰۴۶ ثبت شد

تایید وزارت عدلیه بر مبنای

در جواب بر توبه نامه مورخه ۱۳۰۴/۱۳۸۵۵ بضمیمه شروه وزارت عدلیه به استحضار  
 می‌رسانم که در تداوم خبرها، تصور از آن و آنرا به سبب مرگ در سال گذشته نیز در این خصوص را در دست  
 گردیده اکنون نیز عراقی سابق را تجدید عفو رحمت از راه توبه در بطنه خلق هم نوازند حکومت مستقر  
 قدرت سلطه خارج زنی در دولت معلوم در بر لولیات مدرسه محمد حکومت جدید در آنجا  
 در تمام دولت نگر حکومت باشد و قوت هر چه در آن است و در در بر مدرسه و در این معنی که این  
 لذت هر چه در آن است و در این معنی که این لذت هر چه در آن است و در این معنی که این  
 مایه دولت مستقر است و در این معنی که این مایه دولت مستقر است و در این معنی که این  
 عزائم می‌تواند قرار داده و در این معنی که این عزائم می‌تواند قرار داده و در این معنی که این  
 در حد بر مبنای بیخ معلوم که در این معنی که این در حد بر مبنای بیخ معلوم که در این معنی که این  
 در این معنی که این در این معنی که این در این معنی که این در این معنی که این در این معنی که این  
 حتی در این معنی که این در این معنی که این در این معنی که این در این معنی که این در این معنی که این





دردت در حرفت در آفتاب در آفتاب در آفتاب در آفتاب  
 در آفتاب در آفتاب در آفتاب در آفتاب در آفتاب در آفتاب

مغزین  
 ۱۴۰۵

دردت در آفتاب در آفتاب در آفتاب در آفتاب

دردت در آفتاب در آفتاب در آفتاب در آفتاب

دردت در آفتاب در آفتاب در آفتاب در آفتاب  
 دردت در آفتاب در آفتاب در آفتاب در آفتاب  
 دردت در آفتاب در آفتاب در آفتاب در آفتاب  
 دردت در آفتاب در آفتاب در آفتاب در آفتاب





وزارت امور خارجه

سواد درجه ۱ - ۲۹ بورخه ۹۳ و وزارت امور خارجه که اصل آن بنمیره - ۱۰۰ ثبت شد  
اداره و امور خارجه

رقمه تحت ۱۵۳۴۹ راجع به هیئت مدیره و مدیران مدرسه و کلاسها و مدرسه و کلاسها و غیره  
شیخ تهرانی در امور وضعیت مدرسه ایرانیان فوق بهم دعوت شد و در این هیئت از افراد  
تکلیف از طرف وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه و با این مدرسه و کلاسها و غیره  
مدرسه را تعیین نمودند. و تصمیم گرفتند که در این مدرسه و کلاسها و غیره  
کمیته ای مرکب از هیئت مدیره و کلاسها و غیره تشکیل دهند و این مدرسه و کلاسها  
در این هیئت که در این مدرسه و کلاسها و غیره تشکیل شده است  
تصمیم گرفتند که در این مدرسه و کلاسها و غیره تشکیل دهند و این مدرسه و کلاسها  
پدران و اولاد این مدرسه و کلاسها و غیره تشکیل دهند و این مدرسه و کلاسها  
تعداد اطفال - ۱۰۰ نفر و جمعیت مدرسه و کلاسها و غیره در وقت ارتز

سواد درجه ۱ - ۲۹ بورخه ۹۳ وزارت امور خارجه که اصل آن بنمیره - ۱۰۰ ثبت شد

وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه که اصل آن بنمیره - ۱۰۰ ثبت شد  
مدرسه و کلاسها و غیره تشکیل دهند و این مدرسه و کلاسها

لادن علی بهرنگی  
مدرسه



۲۹

وزارت امور خارجه

مواد ... شماره ... مورخه ... وزارت ... اداره ...

بسم الله الرحمن الرحيم ...

... در مقام ...

Handwritten signature